

سُورَةُ الرَّحْمَنِ ۵۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام یگانه خدای جهان که بخشایش و مهر او بی‌کران

الرَّحْمَنُ

﴿۱﴾

هست الرَّحْمَنُ، خداوند را چو نام فضلِ او بهرِ خلاق گشته عام

عَلَّمَ الْقُرْآنَ

﴿۲﴾

رب دهد تعلیمِ آیاتش تمام بر کتابش نیز قرآن داده نام

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

﴿۳﴾

از کرم وز لطفِ ذاتِ مستعان آفرید او آدمیزاد در جهان

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

﴿۴﴾

هم بداد تعلیم بر نطق و بیان تا تواند حرف راند بر زبان

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

﴿٥﴾

گشته چرخان در فلک، خورشید و در حساب و نظم از صُنْعِ اِلَهِ
ماه

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

﴿٦﴾

هر ستاره، هر درختی همچنین سجده آرد سوی ربّ العالمین
وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

﴿٧﴾

آسمان را داده رفعت بی‌کران وضع نمود میزانِ عدل اندر جهان
أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

﴿٨﴾

امر فرمود، مردمان! اندر امور هیچ نگردید از ره انصاف دور
وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

﴿٩﴾

وزن را سنجش کنید با عدل و داد کم‌فروشی در امورات هیچ مباد
وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

﴿١٠﴾

بهر مخلوق وضع فرموده زمین تا امان یابند و سکنی^۱ اجمعین

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ

﴿ ۱۱ ﴾

میوه‌ها در آن قرار داد بی حساب همچنین از نخل و برگش بهره‌یاب
وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

﴿ ۱۲ ﴾

از حبوبات که همه رویدنیست در نسیم باد هم بویدنیست
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿ ۱۳ ﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ

﴿ ۱۴ ﴾

آدمی را آفرید او از سفال هم بدادش خلقتی اوج کمال
وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ

﴿ ۱۵ ﴾

عنصر جن را ز آتش آفرید آن که ناپیداست از آدم ز دید
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿ ۱۶ ﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

﴿۱۷﴾

آن خدایی که ز لطفش خاوران آفرید و بعد از آن هم باختران
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۱۸﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

﴿۱۹﴾

می‌کند جاری دو دریا بی‌کران تا کنند برخورد آب‌ها در میان
بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ

﴿۲۰﴾

برزخی هست فاصله در بینشان تا تجاوز ناورند هیچ یک ز آن
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۲۱﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ

﴿۲۲﴾

قعرِ دریا لؤلؤ و مرجان فزون تا به وقتش بهرِ خلق آید برون
فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۲۳﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

﴿۲۴﴾

هست به دریا مالکِ کشتی خدا که ز آب سر می‌کشند چون کوه‌ها
فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۲۵﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
كُلٌّ مِّنْ عَلَيْهَا فَانٍ

﴿۲۶﴾

هر چه باشد زنده بر روی زمین عاقبت فانی بگردد اجمعین
وَيَبْقَىٰ وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

﴿۲۷﴾

باقی ماند وجهِ ربّت، ذوالکرم در جلالِ محض، نمی‌بیند عدم
فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۲۸﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!

يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

﴿٢٩﴾

هر که در ارض و سما دارد قرار در طلب باشد ز ذاتِ کردگار
بوده هر روز پایدار و استوار جمله از شأنِ خداوند، ماندگار

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿٣٠﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!

سَنَفْرُغُ لَكُمْ أَيَّهَ الثَّقَلَانِ

﴿٣١﴾

ای گروه جن و انس! آید عِقاب می‌رسیم بر کارتان ما با حساب

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿٣٢﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!

يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا ۚ لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ

﴿٣٣﴾

ای گروه جن و انس! گر قادرید از همین ارض و سما خارج شوید

نیست ممکن هیچ خروج زین اقتدار جز به اذن و سُلطه‌ی پروردگار

فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۳۴﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

﴿۳۵﴾

حق بریزد فرقتان بهر عذاب شعله‌ای از آتش و مسّ مُذاب

هم نیابید هیچ نصرت یا نجات گر کنید انکارِ حق، اندر حیات

فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۳۶﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!

فَإِذَا انْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

﴿۳۷﴾

پس در آن دم که شکافد آسمان سرخ‌گون از آتش و روغن روان

فَبَايَ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۳۸﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌ

اندر آن روزی که آید بالمآل از گناه انس و جن ناید سؤال
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأُقْدَامِ

جُرم مجرم‌ها به پیش کردگار هست بر سیمایشان بس آشکار
پس بگیرند موی سر با پایشان سوی دوزخ می‌برند، مأوایشان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

این همان دوزخ بود که مجرمین کرده انکارش ز جهل از روی کین
يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ

مجرمین را هم به میزانِ خلاف اندر آن آتش دهند دائم طواف
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۴۵﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

﴿۴۶﴾

وان کسان که خائفند از مُستعان می‌روند یکسر به سوی جنّتان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۴۷﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
ذَوَاتَا أَفْنَانٍ

﴿۴۸﴾

هست نعمت کافی و هم پُروפור شاخساران پر ز میوه، جورجور
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۴۹﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

﴿۵۰﴾

از دو چشمه آب می‌گردد عیان جویبارها منشعب در جنتان
فَبَإِيَّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۵۱﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَأَكِيهَةٍ زَوْجَانِ

﴿۵۲﴾

میوه‌ها جفتند همه در جنتان اندر آن پردیس و در آن بوستان
فَبَإِيَّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۵۳﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
مُتَكِّينَ عَلَىٰ فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ ۚ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ

﴿۵۴﴾

می‌زنند تکیه به فرش‌ها در سریر که بود آستر ز آنها از حریر
میوه‌ها و هر نعم در جنتان می‌رسد آسان به دست و هم دهان
فَبَإِيَّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۵۵﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

﴿۵۶﴾

اندر آنجا هست زنانی باحیا که ز زیبایی بشایند مرحبا
هیچ کس از جن و یا که آدمی لمس ننمودست ایشان را دمی
فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۵۷﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

﴿۵۸﴾

همچو یاقوتند و مرجان این زنان همدمند اندر بهشت و جاودان
فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۵۹﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ

﴿۶۰﴾

هست آیا پاسخ احسان جز این؟ که بود نیکی مر آن را جایگزین؟
فَبَأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۶۱﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

﴿۶۲﴾

هست زیر جنتان پردیس‌ها یعنی دو باغ که بوند لاینتهی^۱
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۶۳﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
مُدْهَامَتَانِ

﴿۶۴﴾

سبزی در پردیس‌ها حدّ کلان خرّمی دارند فراوان همچنان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۶۵﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ

﴿۶۶﴾

اندر آن پردیس‌ها، نهرها روان هم بجوشد از دو چشمه جاودان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿۶۷﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ

﴿٦٨﴾

اندر آنجا نیز خرما، هم انار هست در حدّ وفور و بی‌شمار
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿٦٩﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ

﴿٧٠﴾

اندر آنجا همچنین، نیکو زنان همدم و همیار هستند جاودان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿٧١﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

﴿٧٢﴾

هم ز حورانی که نیز پوشیده‌اند بهر خدمت در خیام کوشیده‌اند
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

﴿٧٣﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ
﴿٧٤﴾

این زنان را هم نه جنّ، نه آدمی جسمشان را لمس نکرده یک دمی
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٧٥﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
مُتَكِنِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانٍ
﴿٧٦﴾

تکیه بر پشته‌ی سبز، اندر امان خوش نشینند در بهشتِ جاودان
فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ
﴿٧٧﴾

پس کدامین نعمتی از ربّتان؟ می‌کنید تکذیب و انکاری عیان؟!
تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ
﴿٧٨﴾

هست مبارک اسمِ ربّت، ذوالجلال او که هست اندر کرامت در کمال